

عباس ایروانی در وب‌سایت شخصی اش خود را چگونه معرفی می‌کند؟

روزنامه سازندگی در گزارشی نوشت:عباس ایروانی که دادگاه او را به دست‌درازی به چهار هزار میلیارد تومان از اموال بیت‌المال متهم کرده، کیست؟ کسی که ادعا شده با ایجاد شبکه گسترده‌ای از ارتباطات فاسد و رشوه، قطعات چینی را به نام تولید داخل به خودروسازها فروخته است.طبق اطلاعات وب‌سایت شخصی عباس ایروانی، او در زمان دفاع مقدس قطعات موتورسیکلت تولید می‌کرده است. وی سپس با خریدن کارخانه پیستون‌سازی تبریز از دولت که آن روزها برای واگذاری عرضه شده بود، وارد مرحله جدیدی از فعالیت اقتصادی می‌شود.البته ایروانی می‌گوید: «این انتهای راه بنده و دولت بود و به‌هیچ‌روی پس از آن، وارد معامله با دولت نشدم». بر اساس نوشته‌های این گروه شامل ایروانی «علاوه بر حفظ، نوسازی و گسترش کارخانه پیستون‌سازی تبریز ۱۴ کارخانه دیگر را احداث نموده و بهترین گروه قطعه‌سازی کشور را به نام گروه فعالیت‌های چرخه صنعت خودروسازی کشور کشود. تولیدات این گروه شامل پیستون خودروهای سبک، سنگین بنزینی، دیزلی، صنایع ریخته‌گری، کلاچ و قطعات الکتریکی، داشبورد، انواع دی‌نام، استارت، فنل، جعبه‌فرمان، پولوس انواع بلبرینگ و صدها قطعه ریز و درشت دیگر است. این متهم به فساد فی‌الارض در جلسه سوم دادگاهی خود گفت: (در مجموعه من) چهار هزار نفر به‌طور مستقیم و ۳۰ هزار نفر به‌طور غیرمستقیم مشغول به کار شده‌اند. در مدت فعالیتیم از خروج ۲۵۰ میلیون دلار جلوگیری کردم‌ام و مجموعه‌های گردشگری و رفاهی بسیاری ساخته شده است.طبق ادعای ایروانی، فعالیت‌های او در طول این سال‌ها تنها محدود به این موارد نبوده است. او گفته «در طول این دوران، دست از علاقی خود که فعالیت در عرضه‌های مذهبی است، نکشیدم و در زیر سایه پدر، هیئت‌های مذهبی خود را گسترش داده و حبشیته‌ای به کار کشیدم. (ع) نیز در شهر مقدس مشهد بنا کردم که همچنان با برجا و فعال است.» او گفته به دلایل علاقی شخصی، فعالیت‌های هنری و فرهنگی زیادی هم داشته است. از جمله این فعالیت‌ها همت خانه سنتی عامری‌ها در کاشان، کاروانسرای وکیل کرمان و همچنین همکاری در ساخت ضریح باشکوه سیدالشهدا(ع) بوده است.

در زمینه اخیر این وب‌سایت نوشته: «با توصیه سردار سلیمانی بنده نیز همکاری خود را با ستاد بازسازی عتبات عالیات، جناب حاج آقای محبت‌پور افزایش دادم و بنا به درخواست نزدیکی که با ستاد فرشیان داشتم، پیشنهاد استفاده از ایشان برای طراحی را داده و به همین منظور شخصها با ستاد فرشیان در خارج از ایران دیدار و مذاکره کردم. ایشان پس از برگشت به ایران، با حضور در دفتر شخصی این‌جناب در میدان آرژانتین تهران، کار طراحی و آماده‌سازی ضریح باشکوه سیدالشهدا(ع) را به پایان رساندند و پس از تأیید طرح از سوی مقام معظم رهبری، توسط مترجمان کم‌آرا شدند و پس از عبور از سراسر کشور، روی آن مکان مقدس نصب شده.»وی همچنین مدعی همکاری با پرفسور سبعی در راه‌اندازی مرکز تحقیقات و نوآوری مغز و اعصاب شده و نوشته به همین منظور زمین ۲۲ مطلقه ۲۲ تهران به مبلغ ۱۱ میلیارد تومان از شهرداری خریداری کرده و به نام مؤسسه خیریه متوسلین به امام رضاع) کرده است. از دیگر فعالیت‌های ایروانی، ایجاد پروژه تفریحی هزار و یک شهر، پارک آب‌ و گیس و پارک و ایوان اوشن بوده است. عباس ایروانی درخصوص این‌گونه فعالیت‌هایش نوشته است: «بیت این‌جناب در انجام تمام این امور، رضایت خدا و خدمت به خلق، همراه با کسب روزی حلال بوده است». البته این نیت ایروانی و فعالیت‌های خیریه، او مانع به‌جریان‌افتادن پرونده‌اش نشده است.

جلودارزاده: وابستگی به دولت بیش از همه اخلاق اقتصادی می‌کنند

عضو فراکسیون امید می‌گوید: با کارنامه ضعیف اصلاح طلبان در مجلس و دولت، بعید است بتوان دوباره از مردم رای گرفت.
سپهنا جلودارزاده، عضو فراکسیون سه روزنامه مردم سالاری گفت: «شاخص خط فقر چیزی نیست که لازم باشد دولت اعلام کند؛ مشخص است که خط فقر چندتر است. الان من تا اینکه اجاره خانه نمی‌دهم و کرایه حمل‌ونقل هم پرداخت نمی‌کنم، مگر می‌توانم با آقاس سه میلیون زندگی کنم؟»

وی با بیان اینکه پزو ۴۰۵ ماشین‌های ضعیف جامعه است، گفت: الان اتفاقی که به‌عنوان نفساد در ایران‌خودرو با جاهای دیگر مطرح می‌شود، اثبات مدعای ماست که دولت یا همان پیش‌گویی خصوصی وابسته به دولت، از بسیاری از کارآفرینان که اخلاق اقتصادی ایجاد می‌کنند، بیشتر این کار را انجام می‌دهد. یعنی ماشین را آماده می‌کند، نمی‌فروشد و نرخ را بالا می‌برد. الان برآید یا پژو ۴۰۵ را چه کسی می‌خرد ضعیف‌ترین اقسا!»،وی درباره احتمال نامزدی در انتخابات مجلس اظهار داشت: «برای ورود مجدد به مجلس برنامه خاصی ندارم. الان چیزی نمی‌ماند، فقط می‌دانم نمی‌خواهم به مجلس بروم. نمی‌توانم با مردم برای گرفتن رای حرف بزنم. چون واقعا نمی‌دانم چقدر می‌توانم خواسته‌هایشان را عملی کنم. فقط هم مالک خودم هستم ترجیح می‌دهم جایی بروم که بتوانم کاری انجام دهم.»

جوانی‌کردن!

صاحب جابجایی در ستون طنز روزنامه آرمان ملی نوشت:
پدر طبق معمول هنگام رصدکردن اخبار که با کمیود شوشت مواجه می‌شد، پرچم کشورها را یکی پس از دیگری امتحان می‌کرد بلکه جوابی بگیرد که ناگهان رو به من کرد و داد زد: «دارم تو تک‌تک شهرهای انگلیس جست‌وجو می‌کنم برای یک لحظه وصل‌شدن. باورکن مردم شهر بریستول خودشنم هم حتی نمی‌دانند که وضعیت این قاپلبت رو داره و به کاری بکن.»

گفتم: «برو توی شهرهای کانادا، اونجا بچه‌های خودمن هستند، راحت وصل می‌می.»
گفتم: «آفرین. فقط بین شهرها، رفتن تو رو انتخاب نمی‌کنم! آقا به اینکه بچه‌های خودمن تو اون شهر، به به کم عادت بدی دارند که همه چیز رو بکشن بالا. می‌ترسم خودم، می‌وایلم و فیلترشکن رو هم بکشن بالا.»

گفتم: «دقیقا! برو بسمت مونت‌رال. اونجا بچه‌ها همه گوگولی‌اند. حالا چه ضراری داری که حتما الان وصل بشی؟»
گفتم: «مطلبش رو نشناسم داد که این گفته وزیر بهداشت روی آن نقش بسته بود.»
تفاوت سالنندان ما با بقیه کشورها در این است که سالنندان ما جوانی نکرده، بزرگ می‌شوند.»
«اصحر دارم وصل شوم، چون می‌خواهم به وزیر بگویم اتفاقا ما خیلی هم جوانی کردیم!»

پرسیدم: «بهبه جناب پدر! لابد تعریف‌تان از جوانی، لذت‌بردن‌های سطحی است؟ مثلا کشیدن سیگار به دور از چشم خانواده و حس خودبزرگ‌بینی؟»

گفتم: «برو بالاترا!»
گفتم: «گل؟»
گفتم: «برو بالاترا!»
گفتم: «نگو که باورم نمی‌شده! تریاک؟»
گفتم: «برو بالاترا!»
گفتم: «بالاتر دیگه نمی‌شه برم. الان فکر می‌کنی من تمام این مخدروا رو می‌شناسم و سیاه و کبودم می‌کنی.»

گفتم: «نه عزیزم. من به اطلاعاتی که درباره هر چیزی داری احترام می‌گذارم.»

حدود ده‌ده‌هفته‌ای سکرتوی سنگین کنارمان نشست و داشت میوه می‌خورد. سکوت، وقتی قصد برداشتن موز را داشتم، من کردم باید بشکونمش! پس سکوت رو شکستم و پرسیدم: «شیشسه؟ آره سیظنون؟ بابا این الان ای یعنی جوانی کردن؟»

به سنگک کمربندش اشاره کرد و گفت: «اولا حس می‌کنم اطلاعاتی که داری، دیگه خیلی بالاست!؛ دوما من منظوم اصلا مواد مخدر نیست. منظوم پسته است!ا»

گفتم: «پسته؟ مگر هر کی پسته بخوره یعنی جوانی کرده؟»

گفتم: «من دارم از یک زمان و مکانی حرف می‌زنم که اطراف جای که

بود خیلی‌ها نیستن پسته چیه و بعضا با پوست می‌خورند که درسه‌های خاص خودش رو داشت. ما هم چون تازه‌کار بودیم با دوستان این‌قدر خوردم تا بتاسیم در خون‌مون به حدی بالا رفت که ششیرین‌ترین لقطه‌ها رو باوردم. رقم زد!»،من که حقیقتا هیچ‌چیزی برام نمی‌آمد که بیان کنم. خودش ادامه داد: «درسته که الان آگه این‌ها خاطره رو به‌عنوان جوانی کردن برای یک سالنمدن خارجی مثال بزنی، ممکن است از شدت خنده بمیرد اما اضیبه وقتی جالب‌تر می‌شود که برای نسل تو و پس این قیمت پسته، خوردن آن در زمان حال هم جوانی کردن و لذت‌بردن محسوب می‌شود و اگر این را برای یک جوان خارجی تعریف کنی، از شدت خنده به‌نظر می‌شود؟»

گفتم: «سالنندا!»
گفتم: «آبارکا!...! حالا برو این مغازه که جدیدا بازشده هنوز دوربین‌هاش رو نصب نکرده، به مشت پسته کش برو و بیا تا پدر و پسری جوانی کنیم تا وزیر بهداشت دیگه حرف بارمون نکند!»



هم گران شده‌اند، هم آب رفته‌اند!

روزنامه شروع نوشت: این روزها حتما متوجه این موضوع شده‌اید که برخی کالا‌هایی که در سبد مصرف شما بوده، اندازه و مقدار متفاوتی پیدا کرده و انگار به اصطلاح عامیانه آب رفته است. بررسی‌های میدانی ما در بازار هم این موضوع را تایید می‌کند.

صاحب یک فروشگاه، مواد غذایی و پروتئینی مدعی می‌شود: در کار ما، کوچک و کم شدن وزن چند کالا خیلی به چشم می‌آید. مثلا در انواع سس این موضوع کاملا مشهود است. سس‌های تک نفره سال‌هاست که ۲۰ گرم وزن داشته اما حالا وزن آن دقیقا نصف شده و بعضی شرکت‌ها سس تک نفره ۱۰ گرم تولید می‌کنند و البته جالب این که قیمت آن نیز با سس‌های ۲۰ گرمی تفاوت چندانی ندارد. سس‌های بزرگ تر قبلا ۲۴۰ گرم بوده اما حالا شده ۲۰۰ گرم. در چیپس و اسنک و ذرت هم، یک بار وزن را کم می‌کنند قیمت را ثابت نگه می‌دارند، یک بار وزن ۱۰ گرم بالا می‌رود قیمت دوبرابر می‌شود. مثلا قبلا ۴۰ گرم کم یا قیمت ۲۵۰۰ تومان، حالا وزنش شده ۶۰ گرم اما قیمتش ۴۰۰۰ تومان. تن ماهی هم به همین شکل، قبلا بیشتر ۲۰۰ گرمی بود اما حالا حدود ۱۸۰ گرم وزن دارد و تا ۱۲۰ گرم هم می‌رسد. درخصوص ماست نیز مشکلات به شکلی متفاوت است. قبلا وزن ماست‌ها ۹۰۰ و ۷۵۰ گرم بود. اما حالا به اسم همان ۹۰۰ گرم به ما می‌فرستند اما روی آن وزن ۸۰۰ و ۸۵۰ گرم درج شده است. این که هر کدام حدود دو هزار تومان هم افزایش قیمت داشته است. یک برند معروف هم ماست ۹۰۰ گرمی را با قیمت حدود هشت هزار تومان وارد بازار کرد اما بعد از یک هفته ۹۵۰۰ تومان شد و حتی وزنش هم کاهش یافت. یکی از گلسی فروش‌های مواد غذایی هم مدعی می‌شود: رب گوجه فرنگی یکی از کالا های است که بیشترین تغییرات را داشته است. همه یادشان هست و همین حاله هم که از ما رب می‌خرند می‌گویند رب کی گلیوبی، اما این رب‌ها ذره آب رفته و الان وزن آن به ۸۰۰ گرم رسیده است. روغن نیمه جاذب قبلا پنج گلیوبی بود اما حالا ۵/۵ کیلو وزن دارد، روغن مایع قبلا ۹۰۰ گرمی



هم گران شده‌اند، هم آب رفته‌اند!

بوده و الان هم بعضی برندها همان ۹۰۰ گرم است اما بیشتر برندهای معروف با وزن ۸۱۰ گرم عرضه می‌شود. پنیر هم به همین شکل، قبلا پنیر سفید با وزن ۵۰۰ گرم عرضه می‌شد و پس از آن به ۲۵۰ گرم رسید اما حالا بیشتر ۴۰۰ گرمی هستند، پنیرهای کوچک‌تر و طعم‌دار نیز ۲۵۰ گرم بوده که حالا به ۳۰۰ گرم رسیده است اما با قیمت خیلی بالاتر. شیرهای بطری نیز معروف به شیر کی لیتری هستند اما حالا وزن آن بین ۹۴۳ تا ۹۶۰ سی سی است. جالب است بگویم در انواع کیک و بیسکویت و شکلات هم همین اتفاق افتاده، مثلا کیک‌های صبحانه قبلا ۱۶۰ و ۱۵۰ گرمی بوده اما حالا شده ۱۲۰ و ۱۱۰ گرمی. بیسکویت شکلاتی قبلا ۳۰ گرمی بود اما حالا به ۲۰ گرم رسیده و وزن تافی مغزدار یک برند معروف که در بسته بندی ۳۰۰ گرمی عرضه می‌شد حالا به ۱۸۰ و ۲۰۰ گرم رسیده و جالب اینجاست که در فاکتورهای شرکت هنوز به اسم ۳۰۰ گرمی به ما فروخته می‌شود.

پس از بررسی بازار برای بیکری وضعیت نابه‌سامان مواد غذایی خواستیم موضوع را از نهادهای نظارتی بازار بیکری کنیم اما پیش از آن، به سامانه این نهادها از جمله پایگاه های اطلاع رسانی سازمان صحت خراسان رضوی و سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان مراجعه و قیمت و وزن مصوب کالاها را بررسی می‌کنیم و در عین نابوری با اتفاقی عجیب مواجه می‌شویم. طبق اعدایه‌ای که در جدول نیز آمده وزن مصوب کالاها در این سازمانها تفاوت دارد و برخی اجناس و کالاها با وزن قدیم و برخی با وزن جدید ثبت شده‌اند. نکته این است که در صورت جزو ارگان مورد استناد بازار و دستگاه‌های نظارتی است و بر اساس آن باید با متخلفان برخورد کرد اما ظاهرا اختلافی در این بین وجود دارد. برای بررسی بیشتر به سایت مرکز آمار ایران نیز سری زدیم و قیمت کالا و نرخ آن‌ها را در حال جاری با سال گذشته مقایسه کردیم. با توجه به آمار واقعی این مرکز، وزن کالاها باز هم متفاوت بود که مقدار آن نیز در جدول آمده است. به همین دلیل به نظر رسید پیش از آن که به وضعیت بازار رسیدگی شود

اشکال کار وزارت بهداشت در در مجاری لردگان چه بود؟

بوده که تلاش آن‌ها برای حل مسأله نتیجه عکس و نامطلوب داده است. به نظر می‌رسد آنچه این بحران را ایجاد کرده، غلبه نگاه تخصصی به بیماری و نادیده گرفتن عناصر فرهنگی و اجتماعی آن است. نگاهی گذرا به سخنان وزیر بهداشت (نامه به وزیر دادگستری و مصاحبه ۱۰ مهرماه) نشان می‌دهد که ناامیده صرفا از منظری بیومدیکال (زیست پزشکی) به موضوع نگریمسته و حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی را نادیده گرفته است.

در شرایطی که مردمان محلی به درست یا غلط بر این باورند که در حق آن‌ها به بدترین شکل ممکن ظلم شده و جان و آبروی آن‌ها از سوی دیگری در معرض خطر قرار گرفته است، دفاع شتابزده از حقایق و سلامت طرف به‌روز روستا در میانه نزاع آشکارا نمی‌تواند نتیجه‌بخش باشد. مسئولان وزارت بهداشت آن طور که خود اذعان کرده‌اند از ماه‌ها قبل متوجه موضوع شده‌اند از این روز لازم بود مردم روستا در بازه زمانی یاد شده به خوبی در این زمینه توجیه می‌شدند.

مسئولان باید تکلیف بداندند که «انگ اجتماعی» سیال و پیچیده پیرامون اج‌آی‌وی بزرگ‌ترین مانع کنترل آن در سراسر جهان است از این رو در بیان نقطه نظرات خود درباره بیماری، شیوه‌های ابتلا و نظایر آن به ویژه در شرایط حادث شده باید سنجیده سخن بگویند که البته در مواردی برخلاف این اصل عمل شده است.

فرصت‌های از دست رفته در عراق

فساد، دوازه‌دمین در جهان است. کشاورزی در وضعی به مراتب بدتر قرار دارد و رتبه جهانی آن از نظر درآمد سرانه از تولید ناخالص ملی ۱۲۶ است. دولت «عادل‌عبدالمهدی» همه تلاش خود را برای ایجاد موازنه مثبت در سیاست داخلی و خارجی در خدمت به برون‌رفت کشور از وضع فلاکت‌بار جاری به عمل آورده، اما مشکل زمان از دست‌رفته‌ای است که بی‌تردید همه طرف‌ها اعم از احزاب، دولت‌ها و مجالس این کشور در آن نقش داشته‌اند. همین مهم سبب شد تا احزاب، نخبگان سیاسی و فرهنگی ن‌تن‌ها مرجعت و محوریتی خود را در کنترل و مدیریت موضوعات دست داده‌اند، بلکه به شکلی تهدیدآمیز باعث کشور در معرض موج‌سواری فرصت‌طلبانی قرار گیرد که همواره بخشی از مشکل و دردرس در این کشور بودند‌تا اینکه بخشی از راه‌حل باشند.علام بحران مشروعیت و اعتبار در عراق از ده‌ها پیش و با تظاهرات اعتراضی در بصره و دیگر شهرهای این کشور بروز یافت. آن هنگام باید زنگ‌های هشدار همه طرف‌ها را هشدار می‌کرد؛ وقتی که ترکیبی از همین مردم، شعراهایی با همین مضمون علیه فساد و کمبودهای سر دادند. کاهش مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی که به ۴۷درصد تقلیل یافت؛ بلاکلیفی تقریبا نهم‌ماهه در تشکیل مجلس و دعوی‌کنندگی و کسالت‌بار در تعیین ریاست پارلمان که به

جوانان عراقی می‌خواهند زندگی کنند؛ مانند همه مردمی که از امنیت و آسودگی دیگر نقاط جهان برخوردارند. شاره‌های آنان اعتراضی است به زمان از دست‌رفته‌ای که در صورت استمرار وضع جاری، نسل‌های پس از آنان را نیز دست‌خوش رنج کنونی خواهد کرد. پاسخ به اعتراضات معترضان نه مقابله و نه موج‌سواری این‌الوقت‌های است که تنها بحران را تشدید می‌کنند. درک و به رسمیت شناختن مطالبات واقعی وادعای شورشی و ایجاد اعتبار برای کسی اعتماد عمومی یا ارائه راه‌حل‌های موثر می‌تواند به مهار و مدیریت اوضاع در عراق کمک کند. استقرار آرمه‌های انسی فریبنده خواهد بود اگر همانند تجربه اعتراض‌های گذشته، تصور شود؛ این نیز گذشت.

نگرانی علما از بی‌حجابی برنام‌ریزی شده در قم

بی‌حجابی‌ها جنبه نیابتی دارد و برای خودشان نیست بلکه افرادی مبلغی را می‌گیرند که این گونه بچرخند، والا زنان پاکدامن قم منزه هستند، اما این‌ها که وضع‌شان ناگوار است ارتباطی به قمی‌های اصیل و علما و سکنه ندارند.»

وی پس بیان اینکه نکته‌ای در باب حجاب در این شهر است که امیدوارم به گوش مسئولان برسد، بیان داشت: «وضع حجاب قم در شأن این شهر نیست، این شهر در حقیقت نماینده تشیع و ام‌القرت‌های اسلام است. شهری است که حوزه علمیه در آنجا منعکس است و اعظم و بزرگان در آن حضور دارند. این شهر، شهری است که در آن، کتاب‌ها و رساله‌های زیادی منتشر می‌شود.»

چهارم خرداد امسال نیز آیت ا... العظمی مکارم شیرازی بدجبابی را یکی از مشکلات مهم دانسته و افزوده بود: «بدجبابی در قم یک مسأله سیاسی ضد نظام است که دشمنان با رواج آن قصد متزلزل کردن پایه‌های نظام را دارند و مسئولان باید این مسأله را جدی بگیرند. مبارزه با بی‌حجابی و بدجبابی راه‌هایی دارد که نیازی به درگیری نیست و بهانه هم نباید به دست دشمنان داد.»

سید موسی حسینی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد قم هم ۲۴ تیر ماه ۹۸ گفته بود: «متأسفانه برخی نااهنجاری‌های اجتماعی در قم در حال سرعت گرفتن است، از این رو دستگاه‌های اجرایی باید برای انجم وظایف و تکالیف خود در عرصه عفاف و حجاب تلاش بیشتری داشته باشند. وضعیت فرهنگی قم نیازمند کم‌کم جدی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی ارتبخش و اثرگذار با همکاری دستگاه‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون است.»

آینه رسانه‌ها

KHABAR-E-JONOUB MORNING NEWSPAPER

چهارشنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۹۸ شماره ۱۱۲۱۶

خبر جنوب

مقاولت یک ساله مسئولان مقابل

ارز نیمایی زنگنه شکست

روزنامه خراسان خبر داد:

در حالی که وزارت نفت در آبان سال گذشته، از مسئولان اقتصادی دولت خواسته بود با تغییر مصوبات سال‌های اخیر در حوزه بهینه سازی مصرف انرژی، نرخ ارز رسمی اعلامی توسط بانک مرکزی را حذف و قیمت ارز در سامانه نیسا را جایگزین آن کنند، طبق نامه روزهای اخیر یک عضو مهم هیئت وزیران به زنگنه، اعلام شده بالاخره با این درخواست وزارت نفت پس از یک سال مقاومت و قراردادهای آن حوزه از اول آبان سال گذشته به بعد، مطابق نرخ سامانه ETS اصلاح می‌شود.

جیب خود!

روزنامه کیهان در ستون(گفت و شنود) خود نوشت:

گفت: برخی از متهمان فساد اقتصادی که در مقابل مستندات پرونده هیچ پاسخی ندادند، ادعا می‌کنند که فقط مرتکب یک تخلف معمولی شده‌اند!

گفت: تکلیف پول‌های قلبیه‌ای که از بیت‌المال به حساب خودشان می‌ریختند چه می‌شود؟!

گفت: اصلا ادعا می‌کنند که دچار خطا در برداشت از قانون شده‌اند! گفت: قاضی از مردم پرسید: چرا دست توی جیب این آقا کردی؟ متهم گفت: قربان تصور کردم جیب خودم است! قاضی پرسید: پس چرا پول‌هایش را برداشتی؟ و بارو گفت: ای بابا! آقای قاضی وقتی دست توی جیب خودم کرده بودم چرا نباید پول‌های خودم را بر می‌داشتم؟!

قالیباف راه احمدی‌نژاد را می‌رود؟

همان وقت که بحث نواصولگرایی را بعد از ناکامی در انتخابات و دلخوری از یاران اولگرایش مطرح کرد برخی تحلیل کردند که او ممکن است همان مسیر احمدی‌نژاد را در پیش بگیرد. اما تلخ رابطه با اصولگرایی در پس ماه عسل.

روزنامه هفت صبح با این پیشه نوشت: «دیدار نوروزی‌شان هم بر این تحلیل افزود که اصلا در کار تشریک مساعی و تقسیم کار ادعا آینده‌اند و می‌خواهند جریان یا راه سوم را با هم پیش ببرند. اگرچه این از سوی نزدیکانشان تکذیب شد و از این دیدار به یک احوالیرسی نوروزی یاد کرده‌اند. اما حتی اگر واقعا یک همسویی بین دو جریان احمدی‌نژاد و قالیباف رخ دهد به نظر می‌رسد که قالیباف کمی هوشمندانه‌تر در قبال اصولگرایان رفتار کند و بر خلاف احمدی‌نژاد بند نافش را از اصولگرایی نبرد بلکه برعکس، تلاش کند تا به جای بریدن، عقال این جریان را در دستان خود بگذرد. برای همین روی بدنه جوان حامی آن هم حساب زیادی باز کرده است. با این حال، ابراهیم فیاض، تحلیلگر مسائل سیاسی، دیروز بیه نامه‌نویز گفت: «قالیباف می‌خواهد ستاد فرماندهی ایجاد کند و دنبال یک نوسازی آمرانه شدید است. حال آن که نسل تمدنی چنین نتگاهی را نمی‌پسندند، چون صرفا با بازسازی، دست ایجاد نمی‌شوند. چنان روشش شوروی است، به همین آون همه تکنولوژی و پیشرفت، تمدن شد؟ خیر تازه در مقابل تمدن غرب فریواشی کرد. حالا ایسا آقای قالیباف می‌تواند پاسخ‌گوی خواسته‌های نسل تمدن‌ساز باشد؟ خیر او نمی‌تواند. چون او همیشه فرمانده بوده است. زمان شهرداری هم در واقع فرمانده تهران بود نه شهردار تهران. همان ۹۲ هم دیدیم که او انتخابات ریاست‌جمهوری را در تهران باخت. در واقع او دارد راه احمدی‌نژاد را می‌رود البته به‌شدت بدتر.» در حالی که اخیرا احمد فریوشیدی، پدر داماد محمود احمدی‌نژاد، اعلام کرده که با شک‌گلی برای کجبه همه‌دنبال راه‌اندازی جریان سوم در سیاست ایران است، حسن ییادی، عضو جبهه پیشرفت و عدالت، درباره دیدار احمدی‌نژاد و قالیباف هم گفته است: «پیش‌بینی می‌شود چنانچه این آقای احمدی‌نژاد و آقای قالیباف وحدت و همدلی صورت پذیرد، یک جریان سوم اثرگذار و فراگیر در سطح کشور به وقوع خواهد پیوست.» برخی شنیده‌ها هم حاکی از این بود که تیم احمدی‌نژاد و قالیباف توافق کرده‌اند هر کدام به‌طور جداگانه فعالیت کنند. بر اساس این توافق آنها قرار است از همکاری‌کردن به یکدیگر خودداری کنند.

برای این همسویی می‌شود تناظراتی هم از گذشته یافت اگرچه تصادفا همسو شده باشد. مثل سال ۹۶ احمدی‌نژاد، در جریان یک نشست خبری عملکرد دولت یازدهم‌را در تمامی حوزه‌ها منفی دانست و قالیباف نیز در بیانیه‌ای از همه خواست برای تغییر رئیس‌جمهور در دور بعد تلاش کنند. محمداقرب قالیباف در بیانیه‌ای نوشت: «هیچ درخواستی برای نامزدی نداشته و ندرت و این تمام تلاشم را برای کمک به پیروزی گزینه مطلوب در انتخابات ریاست‌جمهوری به کار خواهم گرفت. وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط بحرانی قرار دارد و تردیدی وجود ندارد که شرایط فعلی در نتیجه سوءمدیریت و ناکارآمدی دولت فعلی است. بنابراین برای رفع دمسوزی تلاش برای جایگزین‌کردن رئیس‌جمهوری مناسب است.»

در همین حال محمود احمدی‌نژاد هم در جریان یک نشست رسانه‌ای گفت: «به خدا، به پیر، به پیغمبر، ما بهتر از شما بلدیم تمهت بزنی‌م! ولی اعتقادی به این کار نداریم. اتهاماتشان را اثبات کنید. چند کارشناس را فرستاندند و ۶۰۰-۷۰۰ میلیون، ۳۰۰ میلیون دادندش به آنها، نهاد ریاست‌جمهوری را شخم بزنت تا علیه ما سند پیدا کنند.»

قالیباف در شرایطی که احمدی‌نژاد از سوی اصولگرایان پاکوت شده در حالی به دیدنش رفته بود که زمان ماه عسل آنها، زاویه‌های تند و تیزی با احمدی‌نژاد داشت و متقابلا او، محمود احمدی‌نژاد هیچ‌وقت قالیباف را در حسابات خود قرار نداد. احمدی‌نژاد و یارانش زمانی ادعا می‌کردند علت چندبازشدن دولت سکه، فعالیت‌های تیم شهردار رفته در بازار سکه برای ضرب‌بزدن به دولت وقت است. زمانی هم در سال ۸۷ که فایل صوتی از قالیباف منتشر شد که آنجا به‌شدت علیه احمدی‌نژاد حرف زده بود. به گزارش صداقت‌نیز گفته بود: «من در نظر شما صوتی را منتشر کرده بود، قالیباف درباره احمدی‌نژاد گفته بود: ... من به شما می‌گویم آقای احمدی‌نژاد تابع ولایت نیست، به حرف رهبری گوش نمی‌کند. من اگر روزی بنا شد به حرف زدن، به صراحت حداقل بیش از ۱۵ تا کد روشنی می‌آورم که از دایره خود من به خارج نشود که اگر فردا من در بازار سکه را در تلویزیون‌مان می‌زنم که ۵۰ میلیون نفر گوش می‌کنند، بعد ممکن است آقا به من بگویند که چرا این حرف را زدی، اگر دروغ زده باشم، ایشان گوش من را از می‌گیرد به قدر می‌گویند اطلاعاتیبه صادر کن قالیباف یک حرف دروغ گفت. چون من دارم لقم می‌کنم... آقا به ایشان سلفی‌گویی داد همسان اول، حالا من نمی‌گویم. من در پنجشنبه پنج تیری که رفتم، یکشنبه بعدش که رفتم، من نسبت به آقای احمدی‌نژاد در تحلیل کردم هر روز هم رفتم بیشتر جلب بیشتر یقین کردم. آقای لاریجانی یک روز آمد به من گفت آقای قالیباف حالا امروز من فهمیدم، حدود هشت، نه ماه قبل حرفی که شما از آقای احمدی‌نژاد زدی واقعی بود. یک بحثی بین من و آقای لاریجانی بود که من ایشان [احمدی‌نژاد] را آدم سالم و صالحی در کار نمی‌دانم، افرادی هم نمی‌شناسمش، راستگو هم در کارش نمی‌شناسم، سرباز ولایت هم نمی‌دانمش. (انصاف‌نیز: چند ثانیه نامفهوم است.) من با صراحت این حرف را می‌زنم به‌عنوان قالیبافی که (انصاف‌نیز: چند ثانیه نامفهوم است.) من (انصاف‌نیز: چند ثانیه نامفهوم است) هم هستم؛ یعنی از آنهاهی که از روی تششع آتش می‌پریم، برای این که حرفمان را می‌نیم، شما فکر می‌کنید مثلا من اتفاقی رفتم تو شهرداری، همه شورای شهر که با ما مخالف بودند. شورای شهر که دست آقای احمدی‌نژاد بود، شورای شهر دوم. شما جایی سراغ دارید که آقای گلیابگانی با آقا مشهد بودند، از مشهد بدون اطلاع ما آمدند، ما نتشیم دیدیم یکی آمد، دیدیم محافظ آقای گلیابگانی است. من تعجب کردم. آمد یکی از اهل بغل دست من بلند کرد، دیدم جناب آقای گلیابگانی آمد بغل دست من در جلسه معارفه من برای شهرداری. بدون این که ایشان را دعوت کنند، ایشان آمد روی سکو حکم شهرداری را گذاشت وزیر کشور بدهد. اولین باری است که حکم شهرداری را رئیس دفتر رهبری به دست من داد.

چرا این را تا من نظر شما نداشت، اینها را من دفاع از شخص خود نمی‌کنم، می‌خواهم شما را روشن کنم که امکان ندارد من بدون نظر رهبری در عالم سیاست یک گام کوچک بردارم. من به آقای احمدی‌نژاد اعتقاد ندارم، به اندازه یک حس سوزن ولی اگر رهبری به من گفت آقای قالیباف، آقای احمدی‌نژاد شما باید بدو بگرد، نه تنها شما گفتا را می‌نمیت، همه‌تان را متکلف می‌کنم به همین احمدی‌نژادی که به جو قبولش نداریم، بروید رای دهید، در این تردید نکنید. تردید نکنید من این کار را می‌کنم. هر کسی هم من را نمی‌شناسد، می‌داند من این کار را می‌کنم. ولی شما بدانید چرا...»